



رَسْم: رسانه و هیأت تر از انقلاب اسلامی / شماره اول / پاییز ۱۳۹۳

هیأت و رسانه و مقتضیات زمان



سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین محمد رضا زائری (زیدعزه)

دردومین همایش ملی هیأت‌های محوری و برگزیده



رَیْس - رسانه و هیأت تراز انقلاب اسلامی - شماره اول، پاییز ۱۳۹۳

هیأت و رسانه و مقتضیات زمان
حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا زائری (زید عزه) در دومین همایش ملی هیأت های
محوری و برگزیده - اسفند ۱۳۹۲

ویرایش و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه ای جامعه ایمانی مشعر
طراح نامواره: علی ناصری
صفحه آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش، نذر سالار شهیدان)
استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

سامانه پیامک: ۱۵۴۲ ۳۰۰۰
پایگاه اطلاع رسانی: www.۱۵۴۲.ir
رایانامه: info@۱۵۴۲.ir

نشانی: قم، بلوار امین، کوچه ۱۰، پلاک ۲۰
تلفکس: ۰۲۵ - ۳۲ ۹۲ ۱۹ ۵۱
کد پستی: ۳۷۱۶۶ - ۳۷۱۵۱

بسم در یعنی لبم

آیا هیأت‌ها رسانه تلقی می‌شوند؟

رسانه مفهومی است که هر چه می‌گذرد، اهمیت آن بیشتر روشن می‌گردد. رسانه یکی از خطوطی است که تا آینده‌های دور امتداد دارد و هر چه که پیش می‌رویم، با خطوطی پررنگ‌تر سروکار خواهیم داشت. سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های ماهواره‌ای، مطبوعات و مانند این‌ها همگی بر اهمیت رسانه تأکید می‌کنند.

سخن از این است که آیا می‌توان هیأت‌ها را رسانه تلقی نمود؟ آیا می‌توان اموری مانند مطالب سخنرانان، نشریه‌های هیأت‌ها، چگونگی چیدمان مجلس، پرچم‌ها و کتیبه‌ها را رسانه‌های دینی دانست؟ آیا هیأت می‌تواند وظیفه رسانه‌ای خود را - آنقدر که در توان دارد - در زمینه دین ایفا کند؟

یکی از اصولی که برای ادای صحیح این وظیفه می‌بایست به آن توجه شود، این است که انتقال مفاهیم همه‌فهم باشد. به کارگیری زبان و بیانی خاص که فقط شماری به مفهوم آن پی می‌برند، در رسانه‌ها - چه کوچک و چه کلان، - امری ناصواب است. اگر در بیان مفاهیم، از فراگیرترین سطح آن بهره برده شود، مفاهیم از بهترین مجرا، جاری شده است؛ چرا که اقتضای گفت‌وگو - در معنای گسترده آن - این است که رسانه، فراگیر و همه‌فهم باشد.

ضرورت بیان معارف به قدر فهم و درک مخاطب

هر رسانه می‌بایست مخاطبان ویژه خود را در نظر گرفته و در سطح فهم و درک آن، به ایفای نقش بپردازد. او باید با زبانی تعامل کند، که همه با آن آشنا باشند. دانشمندان بر این باورند که در مهارت اجرا، شناخت



مخاطب بسیار حائز اهمیت است. از این رو بازدید از محل برگزاری اجرا و بررسی امکانات موجود و آنچه که نیاز است، بر مجری لازم است. قرآن نیز پیش‌تر این مطلب را، اساس وظیفه مبلغ بر می‌شمارد. «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»؛ مبلغ دین می‌بایست پس از رسیدن به درکی عمیق و درست از دین، نزد قوم خود بازگشته و معارف دینی را با بیانی که همه آن را می‌فهمند، مطرح نماید.

امامان معصوم علیهم‌السلام نیز در روایاتی که از ایشان نقل شده است، به این نکته توجه داشته‌اند؛ «نحن معاشر الانبياء نُكَلِّمُ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ».

«لَوْ عَلِمَ سَلَامٌ مَا فِي قَلْبِ ابْنِ دُرٍّ لَقَتَلَهُ»؛ امامان معصوم با نزدیک‌ترین یاران و اصحاب سر خود به اندازه فهم و درک آنان سخن می‌گفتند؛ چرا که ظرفیت‌های آنان با یکدیگر متفاوت است. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: «یا کَمِيل! إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ وَحَبِيرُهَا أَوْعَاها»؛ درک‌ها با یکدیگر تفاوت دارد. نباید آنچه که به یکی گفته شد، بدون هیچ تغییری به دیگری نیز گفته شود.

«فردی نزد امام صادق علیه‌السلام آمد و از وضو گرفتن پرسید؛ امام صادق علیه‌السلام به او، نوعی از وضو گرفتن را آموخت. شخصی دیگر آمد و او نیز درباره وضو گرفتن سؤال نمود؛ حضرت وضویی متفاوت با آنچه که به او لی آموخته بود، به او تعلیم داد. شخصی دیگر نزد حضرت آمد و او نیز همچون دو نفر قبل، از حضرت خواست به او وضو گرفتن بیاموزد. حضرت همان‌طور که همیشه وضو می‌گرفتند، به او آموختند. یک نفر که شاهد حضرت و آموزش سه نوع از وضو بود، به ایشان عرض کرد: سبب این امر چه بود؟ امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اولی در شهری زندگی می‌کرد که جز او کسی از شیعیان ما نیست. حکام آن شهر از مخالفان ما هستند. اگر او مانند ما وضو بگیرد، او را از بین خواهند برد. دومی مأمور و جاسوس حکومت بود؛ او آمده بود تا ببیند ما درباره وضو گرفتن چه نظری داریم؟ ما همان را که فقیه خلیفه می‌گوید، به او گفتیم. سومی از شیعیان ما بود. به همین علت، آنچه را که امیرمؤمنان علیه‌السلام و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفته‌اند، به او تعلیم دادیم.» پس روشن شد که تبلیغ دین به سردادن معارف در هر جا و برای هر شخص نیست. معارف را باید به تناسب ظرف‌ها و فهم‌ها منتشر ساخت.

بر مروجان معارف دینی لازم است، مبانی و اصول دین را بدون کمترین تغییری، با بیانی نو و متناسب با شرایط مکانی و زمانی بیان نمایند. چرا که مخاطبان فعلی دین، با گذشتگان متفاوت‌اند. آنان به دین و اصول استوار آن نیاز دارند، اما نباید اقتضای فراموشی سپرد.



در گذشته دانش و سواد یک روحانی از میانگین جامعه خود بالاتر بود؛ نسخه‌های طیبیان و نامه‌ها را روحانی‌های شهر می‌خواندند و می‌نوشتند. اما در حال حاضر، میانگین فهم و درک در مردم عادی رشد بسیاری نموده است. در گذشته و در یک جمع، حتی یک تحصیل کرده به چشم نمی‌خورد؛ اما اکنون میانگین سواد مردم، بسیار افزایش یافته است.

این در حالی است که برخی از مبلغان دین، هنوز معارف را مانند گذشته و بدون در نظر گرفتن اقتضای زمان بیان می‌کنند. بر مروجان معارف دینی لازم است، مبانی و اصول دین را بدون کمترین تغییری، با بیانی نو و متناسب با شرایط مکانی و زمانی بیان نماید. چرا که مخاطبان فعلی دین، با گذشتگان متفاوت‌اند. آنان به دین و اصول استوار آن نیاز دارند، اما نباید اقتضای مخاطب را به‌دست فراموشی سپرد.

چرا برخی در گذشته‌ها جا مانده‌اند؟ چرا برای پیشرفت‌ها و فناوری‌های روز، جایی باز نمی‌کنند. آیا می‌دانید در منابع روایی خود، روایت‌هایی درباره تلفن همراه داریم؟ «هنگامی که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کنند، مردم با نگاه به کف دست‌هایشان حضرت را مشاهده و هر کس سخنان ایشان را به زبان خود می‌شنود.» شاید باور این مطلب تا سی سال پیش نیز غیرممکن بود؛ اما مردم این روزگار به‌خوبی بر این مطلب واقف‌اند. سرعت تغییر در درک مردم، تا این اندازه بالاست؛ به همین سبب، باید برای تبلیغ دین در رسانه‌ها، فکری نو جاری سازیم؛ و این بدان معنا نیست که از اصول فاصله بگیریم. چرا که این مبانی و اصول هستند که انسان را به بالاترین مقام‌های الهی می‌رساند. این اصول باید ساختارها را در زندگی تشکیل دهد. علمای ربانی به گریه و اشک مقید بودند؛ چرا که این دو از اصول پیشرفت‌های معنوی است. علامه طباطبایی (ره) روزه خویش را با یوسه بر ضریح حضرت معصومه علیها السلام افطار می‌نمودند. او اصول را به‌خوبی در یافته و به آن مقید بودند. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «فرزندانتان را با شرایط روز تربیت کنید.» به بیان دیگر، اصول باید در تمام دوران‌ها یکی باشد؛ اما تربیت‌ها که بر اساس اصول صورت می‌پذیرد، باید با شرایط زمانی مطابق باشد.

جدایی روشن برخی از اصول، همیشه در تاریخ دیده می‌شود؛ برخی مانند «انجمن حجتیه» که خط مشی خود را برای همگان ترسیم نمودند، از این قبیل‌اند. اینان خطری ندارند؛ چرا که چپستی فکر آن‌ها بر کسی





پوشیده نیست. خطر در آن فکری است که هنوز کسی به خطرش پی نبرده است. چرا قرآن مؤمنان را از «منافق» می‌ترساند؟ دشمنی آن که لباس دشمن به تن نموده و در جبهه او می‌جنگد، آشکار است؛ اما رفتارهای آنکه در جبهه خودی است و لباس یار به تن کرده، خطرناک است. «گروهک منافقان» با اعمال پلیدی که در پرونده خود ثبت نمودند، رسوا شده و دیگر نفاق آن‌ها بر کسی مخفی نیست. آنان خود را به «محارب» مبدّل نمودند.

چه بسا آنان که از اصول فاصله می‌گیرند، همچون پایبندان به آن نیز رفتار کنند؛ اما راهی غلط در پیش گرفته‌اند. برخی از آنان خود را و مدار خون شهدا دانسته و پشت سر ولی فقیه گام برمی‌دارند؛ آنان مخلصانه در این راه، جهاد کرده و نگران دین و ثروت معنوی مردم‌اند. آنان خود عهده‌دار نشر معارف شده‌اند. جدی‌ترین خطر این گروه‌ها، نداشتن درکی درست از اقتضای زمان است. برخی از آنان پیرامون ولایت فقیه نیز سخن می‌گویند، اما آنچه در عمل از آنان دیده می‌شود، چیزی متفاوت با گفته‌های آن‌هاست. آنان که به ترویج قمه‌زنی، لعن، مجالسی مانند عیدالزهر^ع و مانند آن می‌پردازند، کسانی هستند که خود را پایبند به دین و اصول مذهب می‌دانند؛ اما در حقیقت به تخریب آن اقدام نموده‌اند.

بالا بردن توان درک زمان ضروری‌ست

برخی توان درک زمان را ندارند؛ چنین افرادی در هر زمان و شرایطی باشند، می‌بایست تمامی مفاهیم دینی را بی‌کم و کاست به کار بندند. پرسشی که در این باره برای آنان مطرح می‌گردد، این است که اگر متناسب با اقتضای زمان پیش رفته و به سبب شرایط خاص زمان، از برخی مفاهیم دینی دست کشیدیم، آیا خطر حذف همیشگی، این مفاهیم دینی را تهدید نمی‌کند؟ آیا تقیه در درازمدت سبب کم‌اهمیتی نسل‌های بعد به مفاهیم دینی نمی‌شود؟ مرحوم مجلسی در جلد دوم از کتاب بحارالانوار، بابتی را به نام «الّٰهِي عَنِ كِتْمَانِ الْعِلْمِ وَ الْخِيَانَةِ وَ جَوَازِ الْكِتْمَانِ عَنِ غَيْرِ أَهْلِهِ» به روایاتی در همین موضوع، اختصاص داده‌اند که ما در اینجا چند مورد از آن‌ها را می‌آوریم:

۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نَفْسُ الْمُهْمُومِ لِظُلْمَتَا تَسْبِيحٍ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُ سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِمَاءِ الدَّهَبِ.» دو جمله ابتدایی روایت را بسیاری شنیده‌اند؛

دشمنی آنکه لباس دشمن به تن نموده و در جبهه او می‌جنگد، آشکار است؛ اما رفتارهای آنکه در جبهه خودی است و لباس یار به تن کرده، خطرناک است.



اما ادامه روایت شاهی بر این بحث است. موضع انفعال با رفتارهای فعالانه بسیار متفاوت است. آنکه در موضع انفعال است، از سلطه شرایط، مجبور به امری می‌شود؛ اما آنکه فعالانه رفتار می‌کند، با تدبیر خود هر آنچه را که به صلاح است، تشخیص داده و می‌گذارد. آنکه خود را شیعه می‌خواند، باید در نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام بسیار دقیق باشد. او باید بداند، چه سخنی را کی و کجا گفته و در چه شرایطی آن را کتمان کند؟

۲- «مرحوم مجلسی» روایتی دیگر را که در این باب مطرح می‌کند، درباره آیه «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بَيَانٌ وَ شَفَاءٌ لِّلْمُتَّقِينَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا إِنَّهُمْ اتَّقَوْا أَنْوَاعَ الْكُفْرِ فَتَرَكُوهَا وَ اتَّقَوْا الدُّنُوبَ الْمُؤَبِّقَاتِ فَرَقَّضُوهَا وَ اتَّقَوْا إِظْهَارَ أَسْرَارِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَسْرَارِ أَرْكَبَاءِ عِبَادِهِ الْأَوْصِيَاءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ صلوات الله عليهم فَكْتَمُوهَا وَ اتَّقَوْا سِرَّ الْعُلُومِ عَنْ أَهْلِهَا الْمُسْتَحْقِينَ لَهَا وَ فِيهِمْ نَشْرُوهَا.» نکته قابل تأمل در این روایت این است که حضرت آنان را که در حفظ اسرار اهل بیت علیهم‌السلام استوارند، «مُتَّقِينَ» می‌نامند.

۳- امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «يَا مُدْرِكُ! رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ مِمَّا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ؛» رحمت خدا بر بنده‌ای باد که محبت مردم را به سوی ما بکشد. معارفی را از ما بگوید که ایشان درک می‌کنند؛ و از بازگویی آنچه که مردم ظرفیت آن را ندارند، خودداری کند. به عبارت دیگر، حضرت راه گسترش محبت اهل بیت علیهم‌السلام را در رفتار فعالانه و تدبیر در نشر معارف ایشان می‌دانند.

۴- امام صادق علیه‌السلام در روایتی دیگر به مُدْرِك می‌فرماید: «إِنَّ أَمْرَنَا لَيْسَ بِقَبُولِهِ فَقَطْ وَ لَكِنْ بِصِيَابَتِهِ وَ كِتْمَانِهِ عَنْ غَيْرِ أَهْلِهِ أَقْرَبُ أَصْحَابَنَا السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ قُلْ لَهُمْ رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثَهُمْ مِمَّا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ؛» حضرت در این روایت به‌صراحت پذیرش معارف محض را دلیلی بر پیروی نمی‌دانند؛ بلکه یکی از اصول این راه را، حفظ آن در برابر ناهلان می‌دانند.

۵- حضرت عبدالعظیم حسنی علیه‌السلام روایتی را نقل می‌کنند که سندش به امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌رسد. امیرمؤمنان علیه‌السلام نقل می‌کنند که پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمودند: «إِنَّا أَمْرَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ بِقَدْرِ عَقُولِهِمْ؛» حضرت وظیفه اهل بیت علیهم‌السلام را سخن گفتن در سطح فهم و عقل مردم بیان می‌نمایند.

۶- جوانی نزد امام باقر علیه‌السلام آمد. به ایشان عرض کرد: من آدمم که معرفت را از شما بیاموزم. امام نیز به او دست‌نوشته‌ای دادند که معارف دینی در آن نوشته شده بود. سپس حضرت فرمودند: «إِنَّ أَنْتَ حَدَّثْتَ بِهِ





حَتَّى تَهْلِكَ بِنُوْ أُمِّيَّةٍ فَعَلَيْكَ لَعْنَتِي وَ لَعْنَةُ آبَائِي وَ إِنْ أَنْتَ كَتَمْتِ مِنْهُ شَيْئًا بَعْدَ هَلَاكِ بَنِي أُمِّيَّةٍ فَعَلَيْكَ لَعْنَتِي وَ لَعْنَةُ آبَائِي؛ اگر پیش از نابودی بنی امیه این معارف را نشر دهی، لعنت من و پدرانم بر تو باد! همچنین اگر بعد از هلاکت بنی امیه چیزی از آن را پنهان کردی، لعنت من و پدرانم بر تو باد! در شرایطی که زمینه نشر معارف فراهم نیست، کتمان آن بسیار ضرورت دارد و آن هنگام که زمان نشر معارف است، کتمان آن، عین خیانت به اهل بیت علیهم السلام است. به بیان دیگر حضرت، شیعه بودن شخص را وابسته به سنجیدن شرایط می داند؛ اینکه چه چیزی را کی و کجا گفته و در چه شرایطی آن را کتمان کند؟

آیا برائت از رهبران دینی، برخی که صاحب قدرت و حکومت هستند، کار ثوابی است؟ شیعیان شهر قم در فضایی امن، اشتباهی را مرتکب می شوند که جریمه آن را باید در منطقه‌ای دیگر، شیعیانی که اقلیت مذهبی آنجا را تشکیل می دهند، با جان و مال خود بپردازند.

شیعیان در بسیاری از نقاط دنیا با تحمل رنج و سختی آیین خود را حفظ می کنند. نباید در فضای امنی منطقه‌ای با گونه‌های رفتار کرد که عده‌ای دیگر در منطقه‌ای نامن به انواع گرفتاری‌ها دچار شوند. شیعیانی که در منطقه‌ای اقلیت مذهبی آنجا را تشکیل می دهند همیشه با قتل، غارت، شکستن حریم خانواده‌ها و انواع شکنجه‌ها تهدید می شوند.

۷- امام صادق علیه السلام می فرماید: «خَالِطُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعُوهُمْ بِمَا يُنْكِرُونَ وَ لَا تَحْمِلُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ وَ عَلَيْنَا إِنْ أَمَرْنَا صَعْبًا مُسْتَعْصَبًا لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِجَابَةِ». در بین مردم به اندازه فهم و درکشان، معارف ما را ترویج کنید! چرا که اگر چنین نباشد، برای خود و برای اهل بیت علیهم السلام دردسر ایجاد می شود. این امر بسیار دشوار و خطیر است و باید کمال تیزبینی صورت پذیرد.

روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام منقول است که ایشان می فرماید: «يَا مَعْلى إِنَّهُ مَنْ كَتَمَ الصَّعْبَ مِنْ حَدِيثِنَا جَعَلَهُ اللَّهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْعِزَّةَ فِي النَّاسِ وَ مَنْ أَدَاعَ الصَّعْبَ مِنْ حَدِيثِنَا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَعْضَهُ السَّلَاحُ أَوْ يَمُوتَ كَبَلًا»؛ آنکه احادیث سنگین و عمیق ما اهل بیت علیهم السلام را - از آنان که از فهم آن عاجزند و از ناهلان - کتمان کند، خداوند این کار او را نوری بین دو چشمش قرار داده و به او عزت عطا می نماید. آنکه این چنین

در بین مردم به اندازه فهم و درکشان معارف ما را ترویج کنید! چرا که اگر چنین نباشد، برای خود و برای اهل بیت علیهم السلام دردسر ایجاد می شود. این امر بسیار دشوار و خطیر است و باید کمال تیزبینی صورت پذیرد.



روایات ما را منتشر نکنند، یا با سلاح کشته می‌شود و یا در غل و زنجیر جان می‌دهد.

۸- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «يَا مُعَلَّى اَكْتُمْ أَمْرَنَا وَ لَا تُدْعُهُ فَإِنَّهُ مَنْ كَتَمَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يُدْعِهِ أَعَزَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ جَعَلَهُ نُورًا بَيْنَ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ يَقُودُهُ إِلَى الْجَنَّةِ يَا مُعَلَّى مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا وَ أَمْرَنَا وَ لَمْ يَكْتُمْهَا أَذَلَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَيْنِ عَيْنَيْهِ فِي الْآخِرَةِ وَ جَعَلَهُ ظُلْمَةً يَقُودُهُ إِلَى النَّارِ يَا مُعَلَّى إِنَّ التَّقِيَّةَ دِينِي وَ دِينَ آبَائِي وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ يَا مُعَلَّى إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي السِّرِّ كَمَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِي الْعَلَانِيَةِ يَا مُعَلَّى إِنَّ الْمُدِيحَ لِأَمْرِنَا كَالْجَاحِدِ بِهِ.» حضرت به کتمان و مخفی نمودن اسرار اهل بیت علیهم السلام امر می‌کنند و از پاداش‌های الهی که خداوند به او عطا می‌نماید، سخن می‌گویند. ایشان در ادامه، کیف‌هایی را برمی‌شمارند که خداوند برای کسانی آماده نموده است که سعی در نشر گسترده این معارف دارند. حضرت به تقیّه‌ای که اهل بیت علیهم السلام به آن پایبند بودند، اشاره می‌نمایند. «آنکه تقیّه ندارد، دین ندارد؛» این هشدار است که امام صادق علیه السلام به شیعیان خود در این باره می‌دهند. ایشان فاش‌کنندگان اسرار اهل بیت علیهم السلام را مانند انکارکنندگان این معارف می‌دانند.

۹- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رَحِمَكُمُ اللَّهُ لَا تُدْبِعُوا أَمْرَنَا وَ لَا تَحَدِّثُوا بِهِ إِلَّا أَهْلَهُ فَإِنَّ الْمُدِيحَ عَلَيْنَا سِرًّا أَشَدُّ عَلَيْنَا مَثُوتَةً مِنْ عَدُوِّنَا انْصَرِفُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تُدْبِعُوا سِرَّنَا؛» ایشان بارها بر کتمان اسرار تأکید می‌کنند. نکته بسیار عجیبی که حضرت به آن اشاره می‌فرماید، این است که فاش‌کنندگان اسرار اهل بیت علیهم السلام نسبت به دشمنان ایشان، گرفتاری‌های بیشتری برای اهل بیت علیهم السلام ایجاد می‌کنند. حضرت چند مرتبه بر کتمان اسرار ایشان تأکید می‌نمایند.

۱۰- بسیاری از مفسران ذیل آیه شریفه ﴿وَلَا تَسْبُوا الدِّينَ﴾ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ عَدُوًّا بِعِزِّ عِلْمٍ روایتی را از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کنند که آن روایت این است: «أَتُحِبُّونَ أَنْ يَكْذِبَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ؟! حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ أَمْسِكُوا عَمَّا يُكْرَهُونَ؛» آیا دوست دارید که خدا و رسولش تکذیب شوند؟ اگر به چیزهایی که دشمن به آن علاقمند است، ناسزا بگویید، طبیعی‌ترین واکنش این است که او نیز به چیزهایی که تو به آن علاقمندی ناسزا بگوید. این یکی از اصولی است که شیعیان باید به آن پایبند باشند.

۱۱- امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فَأَقْرِئْتَهُمُ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ بَعْنِي الشَّيْعَةَ وَ قُلْ قَالَ لَكُمْ حَرِمَ اللَّهُ عَبْدًا





اسْتَحَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِنِّي بَأَنَّ يُظْهَرَ لَهُمْ مَا يَعْرِفُونَ وَ يَكْفُ عَنْهُمْ مَا يُنْكِرُونَ»؛ حضرت به شیعیان سلام می‌رسانند و به کتمان اسرار و نشر آنچه لازم است، امر می‌کنند.

۱۲- و نیز امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَيْسَ هَذَا الْأَمْرُ مَعْرِفَتَهُ وَ وَلَا يَتَّبِعَهُ فَقَطُّ حَتَّى تَسْتُرَهُ عَمَّنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهِ»؛ یکی از حقایق پیروی از اهل بیت (علیهم السلام) رازداری ایشان از نااهلان است.

۱۳- امیرمؤمنان (علیه السلام) به حذیفه بن یمان فرمودند: «لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ فَيَطْعَمُوا وَ يَكْفُرُوا»؛ چنانچه اسرار فاش شده و به دست نااهلان برسد، سبب طغیان و کفران آنان می‌گردد.

۱۴- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لَا تُعْطُوا الْحِكْمَةَ عَبْرَ أَهْلِهَا فَتَظْلِمُوهَا وَ لَا مَنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَظْلِمُوهُمْ»؛ معارف را به نااهلان نگویید که در این صورت - به این معارف - ظلم کرده‌اید؛ و نیز از اهلهش منع نکنید که باز به ایشان ظلم نموده‌اید. نشر یا کتمان معارف، با تشخیص صحیح امکان‌پذیر است. البته رسیدن به چنین تشخیصی رهایی از سلیقه‌ها و تعصبات را می‌طلبد. به همین دلیل وظیفه‌ای بسیار خطیر بر دوش شیعیان است.

۱۵- امام صادق (علیه السلام) در روایتی به صراحت خطر فاش نمودن اسرار را هشدار می‌دهند؛ «لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُ قَتِلَ قَتْلَ عَمْدٍ لَا قَتْلَ حَظِيٍّ»؛ به گفته امام صادق (علیه السلام)، کسی که اسرار اهل بیت (علیهم السلام) را برای اهل و نااهل بازگو کرده و آن را بدون توجه به شرایط و اقتضای آن گسترش دهد، ایشان را به‌عمد کشته است؛ روشن است که در این مجال، سخن از اشتباه و خطا نیست. ما تا کنون بر این باور بودیم که آنان که کرده‌هاشان بر محور اصول نیست، دشمن را یاری داده‌اند؛ اما امام صادق (علیه السلام) مطلبی فراتر از این می‌فرمایند؛ «انان ما را به‌عمد به قتل رسانیده‌اند.»

۱۶- امام صادق می‌فرمایند: «إِنِّي لَأَحَدْتُ الرَّجُلَ الْحَدِيثَ فَيَنْطَلِقُ فَيُحَدِّثُ بِهِ عَنِّي كَمَا سَمِعَهُ، فَأَسْتَجَلِبُ بِهِ لَعْنَةً وَ الْبِرَاءَةَ مِنْهُ.» امام جعفر صادق (علیه السلام) بر کسانی که با شنیدن حدیثی از ایشان، آن را به سرعت در بین مردم - اهل و نااهل - منتشر می‌نمایند، لعن می‌فرستند.

۱۷- امام صادق (علیه السلام) درباره برخی از شیعیان این‌گونه می‌فرمایند: «قَوْمٌ بَزَعُمُونَ أَنِّي إِمَامُهُمْ وَ اللَّهُ مَا أَنَا لَهُمْ بِإِمَامٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ كُلَّمَا سَرَّتْ سِرًّا هَتَكُوهُ أَقُولُ كَذَا وَ كَذَا فَيَقُولُونَ إِمَّا يَعْنِي كَذَا وَ كَذَا إِمَّا أَنَا إِمَامٌ مِنْ

هنگامی که هوای نفس جای خود را به اطاعت از فرمان الهی دهد، هر چیزی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و نیت‌ها نقش ایفا کند.

أَطَاعَتِي»؛ برخی بر این باورند که من امام ایشانم؛ سوگند به خدا که من امام اینان نیستم. لعنت خدا بر آنان باد! هر آنچه را که من پوشانده و کتمان نمودم، آن‌ها فاش کرده و به ناهلان رساندند. من چنین و چنان می‌گویم و آنان سخنان مرا به اشتباه تفسیر کرده و مفهومی غلط از آنچه که گفتم به دیگران می‌گویند. من امام کسی هستم که از من پیروی کند. خداوند آنان را لعنت کند! ما - اهل بیت علیهم‌السلام - احادیثی داریم - که کتمان آن ضروری است؛ - آنکه آن را حفظ کند، خداوند او و نیز دین و دنیایش را حفظ می‌کند؛ و نیز کسی که این اسرار را فاش کرده و به ناهلان برساند، خدا دین و دنیای او را تباه نموده و از وی باز می‌ستاند. ۱۸- امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنِّي لَأَسْمَعُ الرَّجُلَ يَسُبُّ عَلِيًّا وَ أَسْتَبِرُّ مِنْهُ بِالسَّارِيَةِ وَ إِذَا فَرَغَ أَتَيْتُهُ فَصَافِحْتُهُ»؛ من - گاهی - می‌بینم که مردی به علی علیه‌السلام ناسزا می‌گوید؛ در این هنگام خود را مخفی کرده و پنهان می‌شوم. زمانی که او دست از این کار برمی‌دارد، نزد او رفته و با او دست می‌دهم.

برخی از ما، در چنین مواقعی به‌گونه‌ای غضبناک می‌شویم که گویی بیش از امامان معصوم علیهم‌السلام بر حفظ حریم این خاندان اهمیت قائلیم؛ یا برای مثال، اگر ما در آن روز، جای امیرمؤمنان علیه‌السلام یا امام مجتبی علیه‌السلام بودیم، بهتر از آنچه که آنان کردند، می‌کردیم. گاهی از فهم علت رفتارهای اهل بیت علیهم‌السلام عاجزیم؛ به همین دلیل، از پذیرفتن و پیروی کردن از آن رفتار سر باز می‌زنیم.

هنگامی که هوای نفس جای خود را به اطاعت از فرمان الهی دهد، هر چیزی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و نیت‌ها نقش ایفا کند. در کتاب «امر به معروف و نهی از منکر»، نوشته شهید آیت‌الله بهشتی، آمده است: «عده‌ای از هیأت‌داران و تکیه‌داران قم، قبل از ماه محرم، نزد مرجع عالی‌قدر مرحوم آیت‌الله بروجردی (ره) رفتند. ایشان از برخی رفتارها که در هیأت‌ها و دسته‌های عزاداری صورت می‌پذیرفت، ابراز ناخشنودی نمودند. ایشان، هیأت‌ها و دسته را از آن نهی کردند. ایشان می‌خواستند که محفل‌ها و دسته‌های عزا، آن عیوب را نداشته باشند. آن‌ها در جواب به مرجع تقلید خود گفتند: «امر شما مُطاع است؛ اما همه ما ۳۵۵ روز از سال را از شما تقلید می‌کنیم؛ بگذارید در این ده روز مقلد شما نباشیم.» پیروی از اهل بیت علیهم‌السلام با چنین نیتی جمع نمی‌شود. ما جز تصویری مبهم از پیش رویمان نمی‌بینیم؛ در صورتی که امامان معصوم علیهم‌السلام سلسله‌ای از علل و عوامل را مشاهده می‌کنند؛ نباید آنچه را که نمی‌فهمیم رد کرده و آنچه را که





به آن عادت داشته و یا به آن علاقمندیم، جای گزین پیروی محض از اهل بیت علیهم السلام نماییم.

ما از چنین روایاتی درمی یابیم که گفتارها و رفتارهایی که در جمع و جامعه محدود و همگن، مجاز است با آنچه که در جامعه ناهمگن جاری است، بسیار متفاوت و گاهی عکس آن است. مراعات ظرفیت مخاطب و درک اقتضای آن، اصلی است که ضرورت رعایتش در همه شرایط حس می شود. البته روشن است که این به معنای از بین بردن معارف و فراموشی اصول نیست. آن اندازه که باید برای کتمان اسرار کوشید، باید برای نشر و ترویج بجا و به هنگام آن دقت کرد. می بایست هر دو بال این پرنده را با تعادلی خاص، باز نمود. افق های بلند جز با این تعادل، دست نیافتنی است.

پرسش ها و پاسخ ها؛

۱- روی دیگر این سکه، رسانه زدگی برخی از افراد و هیأت هاست. نگرانی بسیاری از آنان، ورود به شبکه های اجتماعی و گسترده نمودن فعالیت های تبلیغی رسانه ای است. به گونه ای که گاهی آنان از اصل فاصله گرفته و یا به کلی آن را فراموش می کنند!

این نکته به طور کامل صحیح است. در حقیقت یکی از آفت های این حوزه همین مشکل است. برای مثال، برخی که در حوزه علمیه قم تحصیل می کردند، بر حسب تشخیص وظیفه، گام به عرصه سینما نهادند. آنان قصد نیکی داشته و می خواستند در سینما، محصولات دینی عرضه کنند؛ اما به تدریج شماری از آنان، از مسیر اصلی خود خارج شده و هدف خود را فراموش کردند. برخی از آنان لباس روحانی را کنار گذاشته و برخی در دیگر کشورها در گروه های خاصی مشغول به کار شدند. در حالی که او روزی در قم طلبه یکی از مدارس علمیه بود و علاقه فراوانی به انقلاب و هیأت ها داشت.

آن زمان که ما به این عرصه وارد شدیم، استادمان به ما می فرمود: اگر هر شب با خدا مناجات نکنید و اگر سر به سجده نگذارید و اگر هر صبح زیارت عاشورا نخوانید، روشن نیست چه مسیری را طی خواهید نمود و سر از کجا در خواهید آورد؟

نگرانی محض که توجیهی مناسب برای ورود به هر زمینه ای نیست. دانش کامل و آشنایی کافی به راه و چاه نیز بسیار ضروری است. بارها جوانان از بنده درباره جذب افراد - حتی غیرهم جنس - پرسیده اند؛ هدایت پسری در

اگر چنین روحانی دانشمندی محور قرار بگیرد، می توان تمام زوایای فعالیت ها را با او سنجید. کوچک ترین فعالیت ها از دقیق ترین بازرسی ها می گذرد. او با اشراف علمی خود، خطرها را تبیین می نماید و راه صحیح را معرفی می نماید.



دانشگاه دغدغه دختری باحجاب و متدین شده است؛ یا پسری که اهل هیأت است، نگران دین دختری شده و سعی در هدایت او دارد. خدا که هدایت عالم را از من و شما نخواست است. کوچک‌ترین اشتباه و سهل‌انگاری، سنگین‌ترین پیامدها را به دنبال دارد. مؤمن باید همیشه بین خوف و رجا باشد. او باید از این نگرانی مراقبت نماید. او باید کرده‌های خود را با اصل و مبنا بسنجد. اگر چنین نباشد در ورطه‌ها و مهلکه‌های گوناگون نابود خواهد شد. چرا هیأت‌ها باید روحانی‌محور باشند؟ چون روحانیون با اشراف خود به راه‌ها و چاه‌ها، اشتباه‌های دیگران را به آنان گوش‌زد می‌نمایند. در اوایل جلد کتاب «بحار الانوار» روایتی از امام صادق نقل شده است؛ ایشان می‌فرمایند: «ساعتی نشستیم در مجلسی که در آن، فردی مورد اعتماد حدیث می‌خواند و سخن می‌گوید، از یک سال عبادت که شب‌ها را به نماز شب ایستاده باشم و روزها را روزه گرفته باشم، برای من بهتر است.» یک جلسه هیأت که در آن عالم دینی معارف را بیان می‌نماید، از یک سال عبادت ارزش بیشتری دارد. اگر چنین روحانی دانشمندی محور قرار بگیرد، می‌توان تمام زوایای فعالیت‌ها را با او سنجید. کوچک‌ترین فعالیت‌ها از دقیق‌ترین بازرسی‌ها می‌گذرد. او با اشراف علمی خود، خطر را تبیین می‌نماید و راه صحیح را معرفی می‌نماید.

۲- خط مشی‌های اشتباه در رسانه و استفاده‌های غلط یا سلیقه‌ای از کاربردهای آن در بسیاری از هیأت‌ها متداول است. استفاده از ظرفیت‌های رسانه برای گسترش معارف دینی، بجاست، اما در هیأت‌ها به‌طور صحیح و کامل از این ظرفیت استفاده نمی‌شود. چرا در بسیاری از هیأت‌ها رسانه را به‌خوبی نمی‌شناسند و با بهره‌گیری از آن به‌طور کامل ناآشناند؟

ما با آقای «محمد حسنی» در سازمان رسانه‌ای اوچ، به توافق‌هایی رسیده‌ایم که بر طبق آن، همایش‌های بعدی ما کارگاهی خواهد شد. قرار است که رویکرد رسانه‌ای هیأت‌ها را در فضایی تخصصی بررسی کنیم. یکی از آن کارگاه‌ها، سواد رسانه‌ای این چنینی تشکل‌هایی است.

۳- اول: تا چه اندازه می‌توان بر رسانه‌ها و ظرفیت‌های آن برای پیش‌برد اهداف هیأت تکیه نمود؟ یکی از امتیازهای رسانه این است که به‌سرعت ظرفیت‌های تازه‌ای را در اختیار قرار می‌دهد. در آن زمان که مطبوعات چاپی، قوی‌ترین کار رسانه‌ای بود، برای رسیدن به تخصص در این حرفه، ۲۵ سال کار مداوم نیاز





بود. در حالی که ظرفیت رسانه‌های دیجیتال، بیش از این‌هاست. در چهار سال می‌توان به سطح مطلوبی در بهره‌گیری از این فناوری‌ها رسید. می‌توان استفاده‌های بسیاری برای پیش‌برد اهداف انقلاب از آن نمود. چنانچه سایت‌ها، سبک‌ها، شیوه‌ها و مانند آن به‌درستی هدایت شده و مطابق با فرهنگ مردم و بر اساس مبانی دین پیش رود، کارایی آن بیش از آن است که تصور می‌شود.

دوم: آیا افراد هیأت باید مطالبه‌گر و منتقد باشند یا خیر؟

ویژگی هیأتی که در طراز انقلاب فعالیت می‌کند، سرسختی و غیرمنفعل بودن اوست. او با چیزی مدارا نمی‌کند. تعهدش به خدا، اهل‌بیت علیهم‌السلام و نظام اسلامی آشکار است. یکی از خطرهای این است که فرد با فریاد انقلاب و نظام، فعالیت خود را شروع کرده و پس از مدتی، برخی افکار آنان را دست‌آویزی برای خود انتخاب می‌کنند. اینجاست که هیأت‌ها و رسانه‌های آن باید منتقد و پرسش‌گر باشند.

سوم: آیا می‌توان هیأت‌هایی با گرایش تمام‌رسانه‌ای راه‌اندازی نمود؟

اگر از امکان وقوعش می‌پرسید، باید بگویم که اهل سنت شبکه‌ای تلوزیونی ماهواره‌ای راه‌اندازی کرده که در تمام شبانه‌روز قرآن پخش می‌کند؛ رسانه‌ای با کارکردی ویژه. اما موفقیت این روش موضوع دیگری است. مطالعه درباره «وآنجلسم» در مسیحیت و کلیساهای استودیویی، کمک بسیاری در این‌باره خواهد کرد. آنان با اجرای این روش، به نتایج مطلوبی نیز رسیده‌اند.

۴- ظرفیت‌ها، سودها و زبان‌های شبکه‌های اجتماعی چیست؟

فیس‌بوک که یکی از شبکه‌های اجتماعی است، در ترویج مذهب تشیع می‌تواند ابزار بسیار قدرتمندی باشد. شیعیان اروپایی بیشترین نشر معارف دینی و بیشترین دعوت از مردم را برای پذیرش مذهب تشیع، با این ابزار صورت می‌دهند. گسترش فرهنگ مهدویت و گرایش‌های آن، با چنین روش‌های به‌روزی، با کمترین هزینه و در بیشترین گستره، امکان‌پذیر است. هر چند بهره‌های آن بسیار است، استفاده بد از این ابزار نیز بسیار خطرآفرین است. این فن‌آوری‌ها شمشیری دولبه‌اند؛ لذا در استفاده از آن باید از احتیاط و مراقبتی ویژه یاری جست.

۵- متأسفانه دشمن قطعه‌فیلم‌هایی را بین افراد منتشر می‌سازد که بیشتر جنبه تبری داشته و دربردارنده

«تکن» گفتن، منکر را
از بین نمی‌برد.
باید در این راه مبارزه
کرد.
چنانکه امامان
معصوم علیهم‌السلام از ما
خواستند،
ترویج معارف ایشان،
بهترین روش برای از
بین بردن منکر است.
اگر فضاهای احساسی
و ذوقی،
جای خود را به
بصیرت‌افزایی دهد،
بدراحتی می‌توان این
کج‌روی‌ها را تصحیح
نمود.

مغالطات و وارونه‌نمایی‌هایی از سخنان بزرگان است. فکر و عقیده بسیاری با مشاهده چنین محصولاتِ تغییر می‌کند

در مقابل، شماری از هیأت‌ها، با تولید قطعه‌فیلمی که با تکیه بر اصول، حقایق را بیان می‌کند، نظر بسیاری از فریب‌خوردگان را تصحیح نمودند. در این باره چه عقیده‌ای دارید؟

چند هزار جلسه در ایران و در ماه محرم برگزار می‌گردد. بسیاری از علما و دانشمندان دینی نیز سخنرانی‌های بسیار مفیدی دارند؛ اما در بسیاری از موارد، فقط آنان که در آن مجلس حضور پیدا می‌کنند، از آن بهره می‌برند. به بیان دیگر، جای خالی رسانه در چنین جلسسهایی، به‌خوبی حس می‌شود. تولید چنین محصولات رسانه‌ای، امری است که بسیاری از تشکل‌ها از آن ناتوانند. اگر هر هیأت به آن سطح از رشد برسد که محصول رسانه‌ای خود را تولید کند، چند هزار قطعه‌فیلم در یک ماه محرم تولید خواهد شد. این یعنی گنجینه‌ای بسیار ارزشمند از معارف رسانه‌ای دینی. در حال حاضر، آموزش هیأت‌ها برای تولید چنین قطعه‌فیلم‌هایی ضرورت دارد.

«نکن» گفتن، منکر را از بین نمی‌برد. باید در این راه مبارزه کرد. چنانکه امامان معصوم علیهم‌السلام از ما خواسته‌اند، ترویج معارف ایشان، بهترین روش برای از بین بردن منکر است. اگر فضاهای احساسی و ذوقی، جای خود را به بصیرت‌افزایی دهد، به‌راحتی می‌توان این کج‌روی‌ها را تصحیح نمود.

۶- تأثیرگذاری در رسانه‌های دیداری و نوشتاری اهمیت فراوانی دارد. اما چه محتوایی و در چه قالبی می‌تواند تأثیر مطلوب را در پی داشته باشد؟

می‌بایست برای هیأت‌ها مرزهای شفاف دینی ترسیم شود. هر آنچه با اصول دین مطابق است، بی‌عیب است؛ اما سازگاری آن با سلیقه‌ها و فرهنگ‌های افراد گوناگون، به هنر باز می‌گردد. نمی‌توان برای همه شرایط راه‌کاری واحد عرضه کرد. اما آنچه در این امر ثابت است، دین‌محوری است. در چارچوب دین، می‌توان از هنر بهره‌ها گرفت و محصولات ارزنده‌ای تولید نمود.



هیأت تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأت‌الگوی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر علیه السلام باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور... ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید؛ اما لازم است و ضروری...

هیأت به خودی خود مهم‌ترین رسانه شیعه است. اما رسانه‌ها نیز در خدمت هیأت در می‌آیند. رسش می‌کوشد تا ابعاد و زوایای مختلف خدمت رسانه‌ها به نهاد قویم «هیأت» را بررسی کند.



۲۰۰۰ ۱۵۴۲
۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
www.1542.ir
info@1542.ir